

بررسی روند توسعه شهری طی شهرسازی ایلخانی با تحلیلی بر توسعه شهری تبریز*

دکتر اصغر محمدمرادی^۱، مهندس ساناز جعفرپور ناصر^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱۱/۲۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۰۳/۱۲

چکیده:

شهرسازی دوره ایلخانی بنابر شرایط سیاسی، اجتماعی، مذهبی و فرهنگی به وجود آمده طی حملات مغولان، یکی از تأثیرگذارترین نمونه های تاریخ شهرسازی ایران را شامل می شود. این الگو در بستر ساختار سلجوقی شهرها شکل گرفته و با رشدی سریع، سیر تکاملی خود را به سوی آفرینش کلان شهری طراحی شده طی کرده است. این تحقیق سعی در بررسی محورهای توسعه شهری ایلخانی بنابر عوامل تأثیرگذار بر آن را دارد. بدین منظور علاوه بر تعیین روند تکامل جایگاه شهر در میان ایلخانان، با مطالعه موردی توسعه شهری تبریز، طی مطالعات کتابخانه ای و با رویکردی تحلیلی در صدد نظام مند کردن سیاستهای اعمال شده جهت رشد و توسعه شهرها در دوره ایلخانی است. تبریز شرایط لازم جهت انتخاب شدن به عنوان پایتختی ایلخانی را از نظر اقلیم، اقتصاد و موقعیت استراتژیکی دارا بوده و زمینه های توسعه یکباره شهر با توجه به موارد مذکور فراهم بوده است. بدین ترتیب با بررسی ساختار شهر تبریز پیش از ایلخانان بر اساس اسناد و مدارک موجود و تطبیق داده های به دست آمده، و قرار دادن لایه ی دوره ایلخانی بر روی آن، ساختار شهر ایلخانی جهت مطالعه سیاست ها و الگوهای توسعه شهری حاصل گشته است. آنچه در این تحقیق مهم می نماید، بازخوانی سازمان فضائی شهر تبریز در طی دوره های تاریخی پیش از ایلخانان و ایلخانان می باشد که به نحوی رشد و توسعه شهر در طی قرون میانه را آشکار ساخته است. این امر علاوه بر آن که عاملی مهم جهت شناخت نظام تاریخی ساختار شهر تلقی می گردد با تطبیق فضاها و شبکه های ارتباطی بر جای مانده از آنها در کالبد معاصر شهر، طی برنامه ریزی های کلان شهری نیز از دید تقویت هویت تاریخی بافت شهر راه گشاست.

واژه های کلیدی:

شهرسازی ایلخانی، توسعه شهری، بازآفرینی باروهای رودی و غازانی تبریز، مجموعه های موقوفه.

۱. استاد گروه مرمت و احیای ابنیه تاریخی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، m_moradi@iust.ac.ir

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد گروه مرمت و احیای ابنیه تاریخی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، s.jafarpour.n@gmail.com

۱. مقدمه

را در برداشت. با تشکیل حکومت ایلخانان در چنین شرایطی همراه با سقوط بغداد و نفوذ دیوان سالاران ایرانی، زمینه ایجاد جریان هائی تأثیرگذار بر روند شهرسازی ایران شکل گرفت.

۱-۲. جریان های سیاسی

در قشر فاتحان مغول و عمده اشرافیت محلی متحد، دو گرایش سیاسی مهم بود: طرفداران گرایش اول، ستاینندگان شیوه ی زندگی صحراگردی، مخالف زندگی ثابت، کشاورزی و شهرها (عمل به یاسای چنگیزی^۱)، گرایش دوم مورد حمایت اشرافیت ایرانی، بخشی از روحانیان مسلمان و شمار وسیعی از بازرگانان، با هدف ایجاد قدرت مرکزی مقتدر در شخص ایلخان، پذیرفتن سنن ایرانی کهن در مورد شکل فتودالی متمرکز حکومت، و نیز لگام زدن بر تمایلات خودسرانه و تجزیه طلبانه اشرافیت قبیله ای صحراگردان بود. با حکومت غازان خان (حک: ۷۰۳-۶۹۴ ه.ق) و وزارت رشیدالدین فضل الله همدانی (۷۱۸-۶۹۷ ه.ق) گرایش دوم در اولوس ایلخانان غالب گردید. در دوره اصلاحات غازان، قوانینی وضع گردید که در جهت کمک به احیای زندگی شهری بود، (پطروشفسکی، ۱۳۶۶: ۷-۴۶۴). دستگاه ایلخانی با انتخاب شهرهایی همچون مراغه، تبریز و سلطانیه، تحرک سیاسی و سکونت در بیلاق و قشلاق را در پیش گرفته و اردوی ایلخان و سایر بزرگان به مراتب اهمیتی بیشتر از شهرها داشتند. نگرش ایلخانان به شهر اگر چه از بعد نظری از دیدگاه کلی مغولان ناشی می شد؛ اما از منظر عملی، از همان آغاز عصر قآن ها، نمودهایی از توجه مغولان به شهر و شهرسازی ملاحظه می شود، (اشپولر، ۱۳۸۶: ۴۴۶). از آنجاکه ساخت سیاسی ایران عهد ایلخانی تلفیقی از ساختار امپراتوری مغول (اشرافیت نظامی) و سنن اجرائی ایرانی بود، آن چه به امور شهرها و اداره اجرای احکام بر آنها مربوط می شد، از سوی دیوان سالاران ایرانی صورت می پذیرفت، در نتیجه شهرها بطور مستقیم رویاروی رفتار مغولان نبودند، (رضوی، ۱۳۸۷: ۸).

۲-۲. جریان های اجتماعی

در ایران قرون وسطی، در شهر چهار مرکز اصلی حیات اجتماعی وجود داشت: ۱. شهرستان و محلات اعیان و اکابر؛ ۲. مدرسه ها، خانقاه های دراویش؛ ۳. مرکز بازار و کاروانسراها؛ ۴. محلات پیشه وران و اصناف آنان، بازارچه ها با خرده فروشی. غالباً، پیشه وران یک صنف در محله ی واحدی زندگی می کردند، (پطروشفسکی، ۱۳۶۶: ۵-۴۸۴). طبقات اجتماعی شهری این زمان در دو طیف کلی طبقات فرادست و فرودست قابل طرح اند. در اخلاق ناصری جامعه به چهار طبقه: اهل شمشیر، اهل قلم، اهل معامله و اهل مزارعه تقسیم شده

با توجه به آن که شهرسازی دوره ایلخانی یکی از مهمترین و با ارزش ترین نمونه های تاریخ شهرسازی ایران می باشد، مطالعات بسیار اندکی در جهت شناخت ابعاد و زمینه های رشد و توسعه آن، با وجود کثرت مدارک مکتوب و منقول، صورت پذیرفته است. به دلیل توجه خاص به ویژگی های معماری این دوره و تمرکز بر مطالعه ابنیه بر جای مانده از آن، اکثراً جنبه های عملکردی و ساختاری بناها مورد بررسی قرار گرفته و به ندرت به نحوه ی استقرار ابنیه در نظام سازمان دهنده بافت شهر، پرداخته شده است. این پژوهش در صدد بررسی و شناسائی عوامل مؤثر و زمینه ساز در تعریف مبانی مرتبط با جایگاه شهر در دوره ایلخانی، و تعیین معیارهای دخیل در سیاست گذاری های اعمال شده جهت رشد و توسعه شهر است. بدین منظور ابتدا اوضاع سیاسی، اجتماعی، مذهبی، اقتصادی و فرهنگی دخیل در تحولات شهری این دوره، بررسی و با تحلیلی تاریخی بر چگونگی احداث ابنیه و امکانه ی شهری، دیدگاه های هر دوره، از نظر ساختاری طبقه بندی می گردد. جهت ارزیابی روند شکل گیری مبانی توسعه شهری، نیاز به تحلیل ساخت و سازهای صورت گرفته در محدوده پیرامونی شهرهاست. با پایتخت شدن تبریز در دوره اقتدار ایلخانان، و دارا بودن پتانسیل های لازم جهت اعمال سیاست های توسعه گرایانه حکومت، این شهر بهترین نمونه جهت بررسی روند توسعه شهری در دوره ایلخانی است. از این رو شناخت ساختار شهر قدیم و فضاهای شهری واقع در بافت تاریخی آن مهم می باشد. جهت نیل به اهداف پژوهش، از روش تحقیق های کتابخانه ای، تحلیل محتوا و مطالعه موردی استفاده شده است. ابزارهای گردآوری اطلاعات توسط اسناد و مدارکی چون کتب مورخین، وقفنامه های موجود، کتب و مقالات محققین معاصر و نقشه های تاریخی می باشد. روش پردازش و تفسیر اطلاعات تطبیقی و مقایسه ای بوده و نحوه ارائه داده ها به صورت ترسیم نقشه های شهری مربوط به هر یک از دوره های مورد مطالعه است. چنین تحقیقی به دلیل از بین رفتن بسیاری از ساختارهای شهری مورد مطالعه و تنها اکتفا به توصیفات مورخین، عدم انجام کاوش های علمی و تحلیلی در سایت های تاریخی مربوطه، محدودیت هائی را در جمع آوری اطلاعات موجب گشته است.

۲. جریان های تأثیرگذار بر تحولات شهرسازی دوره ایلخانان

پس از فتوحات چنگیز، گستره جغرافیایی قلمرو مغولان از شرق چین تا آسیای صغیر را شامل می شد. این امر سهولت برقراری ارتباط میان شرق و غرب، گسترش علم و تجارت، و مهاجرت توده ها

۴-۲. جریان های اقتصادی

در این دوره با برقراری ثبات سیاسی، شهرهائی که بر سر مسیرهای بازرگانی بین المللی واقع بودند و به عنوان بازار کالاهای گوناگون فعالیت می کردند، از رشد اقتصادی خوبی برخوردار گشتند (پطروشفسکی، ۱۳۶۶: ۴۹۰). در این راستا از مهمترین اقدامات صورت گرفته جهت رونق بخشیدن به تجارت بین المللی و بین شهری، ایجاد امنیت در راه ها و توسعه تسهیلات بین راهی بوده است. با توجه به توسعه فضای بازار و نقش کلیدی آن در اقتصاد شهر، در طراحی شهرک هائی مانند غازانیه و ربع رشیدی نیز با وجود فاصله اندک از شهر تجاری تبریز، راسته های بازار و کاروانسراهای متعددی، گنجانده شده بود. به دلیل ماهیت نظامی حکومت ایلخانان و بیلاق و قشلاق سران حکومتی، «اردوی» ایلخان و سایر بزرگان حکومتی موقعیت پایتخت را تحت تأثیر قرار می داد. اردو که در حکم شهری سیار بود، در رشد اقتصادی مناطق سر راه و فعال شدن اردو بازارها نقش مهمی بر عهده داشته است، (رضوی، ۱۳۸۷: ۱۳-۸). در این دوره مالیات های کمرشکن یکی از موانع احیای زندگی شهرنشینی بود که طی اصلاحات غازانی پاره ای بهبودی اقتصادی، خصوصاً در زمینه کشاورزی حاصل گردید، (پطروشفسکی، ۱۳۶۶: ۹-۴۶۷). از طرفی وقف منبع اصلی درآمد شیوخ درویش و فقها را تشکیل می داد، و متولیان املاک موقوفه از پرداخت مالیات معاف بودند، (همان: ۴۹۰). از طرفی نیاز نهاد وقف به عامل تجارت، گسترش مجموعه های ابواب البرّ بر سر راه های تجاری منتهی به شهر را موجب شد.

۴-۵. جریان های فرهنگی

مانند بسیاری از سلسله های ایرانی، ایلخانیان نیز صحراگردانی بودند که سالانه ما بین اقامتگاه های زمستانی و تابستانی کوچ می کردند. آنها معمولاً زمستان را در اقلیم های گرمی مانند بغداد، و تابستان را در دشت های آذربایجان می گذراندند. ملترمین سلطنتی، خیمه - شهر^۴ عظیمی را تشکیل می دادند. به طور مثال تخت جلوس هلاکو در نزدیکی بلخ، درون خیمه ای بوده که با هزار میخ طلا به زمین متصل می گشت. یا قصر تابستانی غازان واقع در اوجان آذربایجان، خیمه ای زربافت بوده شامل بارگاه و فضاهای جانبی که برپا کردنش یک ماه به طول می انجامید (239 : 1993 Blair). بنابر نگاره های بر جای مانده و توصیفات مورخین می-توان چنین استنباط کرد که اشراف نظامی در محوطه باغ های تیول خویش خیمه هائی عظیم برمی افراشتند. در دوره ایلخانان، مغولان بنابر عمل به یاسای چنگیزی، از سکونت در شهر ممانعت کرده و همواره شهرهایی واقع در میان مراتع را جهت اطراق انتخاب می

است، (رضوی، ۱۳۸۷: ۱۷). در طبقه فرادست، اشرافیت نظامی و ولایتی محلی از اهل شمشیر، و دیوان سالاران و طبقه منفصل روحانیان و فقها از اهل قلم محسوب می شدند، (پطروشفسکی، ۱۳۶۶: ۴۸۷). روابط متقابل اصناف و متصوفه، و تأثیرپذیری سازمان های پیشه وری از سلسله مراتب تشکیلات خانقاهی به ویژه آنچه با عنوان مجامع «فتوت^۲» و «اخی» معروف شده است، بهترین نمودهای امور اجتماعی این دوره را رقم زده است. سابقه دیرپای متصوفه در ایران و رویکرد مردمی تر آن، به همراه بی توجهی به تعلقات دنیوی، موجب شده بود اهل خانقاه مورد توجه قرار گیرند و به یکی از مهم ترین نیروهای اثرگذار اجتماعی تبدیل شوند، (بیانی، ۱۳۸۱: ۶۷۳/۲-۶۵۰). با حمله مغول، خانقاه ها که در پهنه حکومتی سلاجقه گسترش یافته بودند، به ملجائی جهت پناه گرفتن آوارگان تبدیل شدند. بنابر پایگاه مردمی خانقاه ها و توجه دیوان سالاران، امرای مغول نیز به واسطه ذهنیت قبلی که از شمنیزم^۳ داشتند بسیار مجذوب کرامات متصوفه شدند. در نتیجه آداب خانقاهی توسعه یافت و با تکمیل فضاهای جانبی چون مقبره، زاویه، رباط و محل اطعام به مجموعه ای مذهبی - خدماتی با رویکردی اجتماعی سوق یافت.

۴-۳. جریان های مذهبی

دوره مغول در تاریخ دینی ایران، اهمیت ویژه ای دارد. نخست، این دوره شاهد پر و بال گرفتن مذهب شیعه به عنوان پی آمد سقوط خلافت عباسی (۵۶۵ق/ ۱۲۵۸م) بود، و این امر با تخفیف متناسب اختلاف میان شیعه و سنی، ایجاد تمایلات شیعی در میان متصوفه و گرایش به تشیع میانه رو در محافل سنی همراه بود. همچنین در تصوف، گرایش های عقیدتی پیشرفت شایان توجهی نمود. از این گذشته پاره ای از جنبش های صوفی و شیعی همراه با تشکیلات نظامی شکل گرفتند که پیشگامان جنبش صفوی بودند، (باسانی، ۱۳۶۶: ۵۲۰). با سقوط خلافت عباسی صوفیان خلاء حاصل از نبود مرکزیت سیاسی - مذهبی جهان اسلام را پر کردند و با تشکیلات خاص خود، پاسخ گوی حوائج مردمی بودند، (رضوی، ۱۳۸۷: ۱۶). تا قبل از دوره مسلمانی ایلخانان، مذاهب بودائی، مسیحیت و یهودیت، بنابر تساهل عقیدتی در حال گسترش بود. در دوره ارغون شاهد ورود کاهنان و ترویج آئین بودائی هستیم. با به تخت نشستن غازان خان در سال ۶۹۴ ه.ق. و گرویدن وی به دین اسلام جهت تثبیت حکومت ایلخانان در منطقه، نخستین یرلیغ و فرمانی که صادر کرد، دایر بر وجوب قبول اسلام برای مغول و اجرای احکام آن بود، (اشپولر، ۱۳۸۶: ۱۹۱).

در سال ۶۷۴ ه.ق. شروع به ساخت قصری مجلل می کند که تکمیل آن تا عهد ارغون به طول می انجامد. نمونه ای دیگر از توجه آباقا به امور شهری، اعزام وزیرش صاحب دیوان شمس الدین محمد جوینی به آسیای صغیر (۶۷۶ ه.ق.)، جهت تعمیر شهرهای آن سامان پس از تخریب حاصل طی جنگ با مملوک مصر است، (رضوی، ۱۳۸۷: ۱۱). وی طی دوران وزارتش در دربار هلاکو، آباقا و احمد تغودار، از ۶۶۱ تا ۶۸۳ ه.ق. مجموعه هائی عام المنفعه در اکثر ممالک ایلخانی تأسیس و دیوانی جداگانه جهت رسیدگی بدان ها ترتیب داده بود (آیتی، ۱۳۸۳: ۴۰). از آن جمله مدرسه، بیمارستان و خانقاهی در اصفهان (ابومجد تبریزی، ۱۳۸۱: ۴۱۴) و مجموعه مدرسه جفت منار^۵ شهر سیواس (۶۶۸ ه.ق. / ۱۲۷۱ م.) که در ضلع شمالی ارگ شهر واقع بوده است (Sinclair, 1989: II, 303). در دوران حکومت احمد تغودار (حک: ۶۸۳ - ۶۸۰ ه.ق.) که دارای گرایش هائی به مذهب اسلام بود نیز توجه به عمران و آبادی شهرها به چشم می خورد.

از زمان ارغون خان (حک: ۶۹۰ - ۶۸۳ ه.ق.) به شکل سازمان یافته - تری با مسئله شهرسازی برخورد می شود و عملیات ساختمانی از محدوده مجموعه سازی یا تعمیرات، خارج شده و به طراحی شهر می انجامد. ساخت شهرک ارغونیه (۶۸۹ ه.ق.) در غرب تبریز به موضع شم واقع در باغ عادلیه را می توان نخستین گام ایلخانان در جهت تثبیت گرایش های سیاسی و مذهبی با رویکردی مدنی قلمداد کرد. اقدام مهم دیگر ارغون در زمینه شهرسازی، بنای اولیه سلطانیه در چمنزاری به نام شروپاز است که مغولان آن را قنقراولانگ می خواندند. دو عامل مهم قرار گرفتن در مسیر تجاری و برخوردار بودن از مراتع کافی، در انتخاب محل ارغونیه و سلطانیه، به عنوان شهرهای سلطنتی ایلخانان حائز اهمیت می باشد. از فعالیت های عمرانی گیخاتو (حک: ۶۹۴ - ۶۹۰ ه.ق.) ساخت شهر بزرگی به نام «قتلغ بالیغ» در ساحل رود کور است، (فضل الله همدانی، ۱۳۷۳: ۱/۸۳۴)، همچنین تملک و تکمیل مدرسه جفت منار ارزروم^۶ باقی مانده از دوره سلاجقه روم، بدست پادشاه خاتون همسر گیخاتو (77: 1984 Blair).

با روی کار آمدن غازان خان (حک: ۷۰۳ - ۶۹۴ ه.ق.) و گرویدن وی به آیین اسلام، رویکردی نو از نظر محتوایی، فضای حاکم بر شهرسازی ایلخانان را فرامی گیرد. در این دوره دین رسمی حکومت در راستای دین مردم قرار گرفته و از این جهت شهرسازی ایلخانی علاوه بر وجه سیاسی، تجاری و فرهنگی خود اهمیت مذهبی نیز می یابد. بارزترین نمونه چنین اندیشه ای ساخت شهرک غازانیه (۷۰۲ - ۶۹۶ ه.ق.) در غرب تبریز به موضع شنب، روی ویرانه های ارغونیه است. غازان خان پس از دستور به تخریب معابد بودائی ارغونیه، و نیز زیارت عتبات، ساخت مجموعه عام المنفعه عظیمی را به مرکزیت

نمودند. همچنین بنابر آداب و سنن، و خوی طبیعت گرای شان، زندگی در فضای باز را بر زندگی در فضای متراکم شهر ترجیح داده، احداث و اقامت در باغ ها عمومیت یافت. از این رو با رونق یافتن ساخت فضاهای برونگرایی چون کوشک از جانب ایلخانان و دیوان سالارشان، شهر به سمت اراضی خارج بارو توسعه یافت.

۳. سیر تکاملی جایگاه شهر در عهد ایلخانان

بنابر دیدگاه فرهنگی و سنتی ایلخانان، مرکز قدرت حکومت در اردو مستقر بود، و بر اساس ماهیت نظامی اردو، جهت حفظ قدرت به دو دلیل کوچ لازم می گشت: یکی به دلیل معیشتی و دیگری سرکشی به قلمرو تحت سلطه. هنگامی که مغولان وارد مناطقی با ساختار شهرنشینی شدند، فرهنگ و سنت خود را در پیش گرفتند، و حتی تا بعد از روی آوردن به اسلام نیز به آن پایبند بودند. با این تفاوت که به مرور زمان با استقلال سیاسی ایلخانان از قآن (خان بزرگ)، احساس نیاز به یک قدرت مرکزی در قلمرو تحت سلطه شان به وجود آمد. از این رو، مسئله پایتخت که از سیاست یکجانشینی پیروی می کرد اهمیت یافت.

۳-۱. بررسی تاریخی

ایلخانان از زمان هلاکو (حک: ۶۶۳ - ۶۵۳ ه.ق.) با مدیریت دیوان سالاران ایرانی، جهت تثبیت موقعیت و سامان بخشیدن به مطالبات جدید حکومت، تجهیز شهرها به فضاهای خدماتی ای در قالب مجموعه های عام المنفعه وقفی شامل مدرسه، مسجد، خانقاه، دارالضیافه و دارالشفاء را در پیش گرفتند. بدین ترتیب پس از سقوط قطب سیاسی و علمی جهان اسلام، بغداد، در سال ۶۵۷ ه.ق.، خواجه نصیرالدین طوسی (۶۷۲-۵۹۷ ه.ق.) احداث مجموعه ای دانشگاهی را در شهر مراغه آغاز، و دانشمندانی از چین تا روم را در آنجا گرد آورد. بطوریکه این مکان منشاء تحولاتی عظیم در عرصه های علمی و هنری، معروف به مکتب مراغه گشت. ادیبانی چون شمس الدین محمد جوینی سمت صاحب دیوانی و برادرش عظامک جوینی، حکومت عراق را عهده دار گشتند، آنها در احیا و آبادانی شهرهای خبوشان و بغداد به دستور هلاکو نقش مهمی داشتند. هلاکوخان به عنوان یک پادشاه و ناجی، و نه به عنوان یک فاتح، پس از غارتگری های پیشینیان اش، مورد پذیرش قرار گرفته بود. چنانچه دهه های اولیه حکومت سلسله اش با رنسانسی در زندگی فرهنگی مردمان فلات ایران مشخص گردیده است (Lane, 2003: b. cover).

در دوره آباقاخان (حک: ۶۸۰ - ۶۶۳ ه.ق.) با توجه به رونق یافتن روزافزون مسیرهای تجاری غرب به شرق، پایتخت از مراغه به تبریز منتقل می گردد. آباقاخان در اقامتگاه تابستانی اش، تخت سلیمان،

برادرش دمشق خواجه (ف. ۷۲۸ ه. ق.) نیز مجموعه ای عظیم در جنوب پل سنگی تبریز به نام دمشقیه برپا کرد، که پس از ازدواجش با ابوسعید در ۷۲۸ ه. ق. رونقی افزون یافت، (کربلائی، ۱۳۸۳: ۱/ ۵۲۳). طی این دوره احداث مجموعه های موقوفه علمی و مذهبی در شهرهای مرکزی ایران نیز گسترش یافت. ساخت مجموعه شمسیه توسط شمس الدین محمد داماد رشیدالدین در ۷۲۸ ه. ق.، و مجموعه رکنیه یا وقت و ساعت توسط سیدرکن الدین قاضی در ۷۲۶ ه. ق. در یزد، مجموعه نظامیه در ۷۲۵ ه. ق. در ابرقو، مدرسه بابا قاسم در سال ۷۲۵ ه. ق. در اصفهان. (ویلبر، ۱۳۶۵: ۱۰۰)، از آن جمله اند.

۲-۳. بررسی ساختاری

رویه تراکم شهری در ایران به شکل ضعیفی مورد مطالعه قرار گرفته است. مسائل پایه ای همچون رابطه شهر با مناطق تابع، شرایطی که منجر به رشد یا نزول شهرها گشته، و گونه های سازمان شهری، تعریف نشده باقی مانده اند. با این حال آشکارا، توسعه یک جامعه چوپانی تحت تسلط مغولان، موجب تغییر جهتی مشهود در گونه شهری از ترکیب شهر - واحه^۷ سنتی و مرسوم به یک گونه شهر - مرتع^۸ شد، (Blair, 1986 : 139). چنین گرایشی به شهرنشینی را می توان در سه دوره بررسی کرد:

دوره اول (۶۸۳-۶۵۳ ه. ق.): اهمیت اردو و کوچ نشینی، استقلال سیاسی و نیاز به قدرت مرکزی، انتخاب محلی به عنوان پایتخت بر اساس سه نقش: بازاری در منطقه ایلی (محدوده میان ییلاق و قشلاق)، موقعیت استراتژیک، و قرار گرفتن در مسیر تجاری مهم شرق - غرب (Idem: 139). مهاجرت توده ها، اهمیت شهرها و توجه به بازسازی آن ها، نفوذ دیوان سالاران ایرانی در توسعه شهرها و ساخت مجموعه های عام المنفعه در جوار فضاهای مهم شهر سلجوقی مانند ارگ، میدان و بازار.

دوره دوم (۶۹۴-۶۸۳ ه. ق.): دوره انتقال از رویکرد ایلی به مدنی، گرایش به ساخت شهرهای سلطنتی جهت القای قدرت مرکزی، نفوذ فرهنگ و اقتصاد مغولی در انتخاب محل پایتخت، شکل گیری شهر - مرتع ها، مثال خوب این الگوی جدید مغولی شهر سلطانیه می باشد. ارغون، به دلیل مراتع فراوان، آن محل را به عنوان پایتخت تابستانی انتخاب کرده بود، (Idem: 139).

دوره سوم (۷۳۶-۶۹۴ ه. ق.): اهمیت شهرسازی جهت تثبیت حکومت، گرویدن به آیین اسلام و اعلام استقلال کامل از قآن، ساخت دو گونه شهری یکی با الگوی شهر - مرتع توسط سلاطین ایلخانی و دیگری الگوی شهر - واحه ی مرسوم توسط دیوانیان، شکل گیری سازمان فضائی شهر به مرکزیت مجموعه های موقوفه عظیمی به نام ابواب البرّ با محوریت آرامگاه، جایگزینی ابواب البرّ

مقبره خویش در آن محل پی می افکند. از این زمان مجموعه های «ابواب البرّ» مرکزیت شهرهای جدیدالتأسیس حاکمان و دیوان سالاران ایلخانی، چون غازانیه، سلطانیه و ربع رشیدی را تشکیل می دهند. بنابر وقفنامه های موجود و نقل مورخین، ابواب البرّ، مجموعه هائی شامل: مسجد، مدرسه، خانقاه، دارالضیافه، دارالشفاء، دارالایتام، بیت الکتب، و حمام بوده اند، (فضل الله همدانی، ۱۹۴۰: ۲۰۸؛ همو، ۱۳۵۶: ۴۴-۴۱).

در زمان الجایتو (حک: ۷۱۶-۷۰۳ ه. ق.) دوره جدیدی از فعالیت های عمرانی در سطح کلان آغاز می گردد که در نتیجه ثبات سیاسی و اقتصادی کشور طی اصلاحات غازانی و رویکرد آرمانگرایانه حاکمان و دیوان سالاران به طراحی شهرهائی اقتدارگراست. الجایتو در سال ۷۰۴ ه. ق. با تفکر ساخت پایتختی به مثابه قبله العالم، فعالیت های ساختمانی سلطانیه را از سر می گیرد. وی دستور ساخت ابواب البرّ عظیمی به مرکزیت آرامگاه ائمه یا گنبد (۷۱۳-۷۰۷ ه. ق.) را داد که مجموعه مذهبی - حکومتی محصور درون باروی ارغونی بود. علاوه بر ابواب البرّ، وی قصر و مسجدجامعی باشکوه، درون باروی داخلی سلطانیه بنا کرد (Blair, 1986 : 141)، و در سال ۷۱۳ ه. ق. / ۱۳۱۳ م. پایتخت از تبریز به سلطانیه انتقال یافت. رشیدالدین فضل الله همدانی طی وزارت (۷۱۸-۶۹۷ ه. ق.) در سال ۷۰۷ ه. ق. به ساخت شهرکی به نام رشیدیه یا ربع رشیدی در جانب شرقی تبریز به موضع ویلانکوه روی تپه ای مشرف بر شهر، اقدام نمود. بنابر وقفنامه ربع رشیدی، این شهر دارای باروی داخلی، محیط بر ابواب البرّی به محوریت مقبره اش و باروی بیرونی بر گرد شارستان، شامل محلات اعیان و بازار بوده است، خارج بارو نیز باغات و روستاها و کارگاه ها واقع بوده اند (مشکور، ۱۳۵۲: ۵۳۱). رشیدالدین آرمانشهر خود را بر پایه وقف به نحوی طراحی می کند تا علاوه بر گردش داخلی سرمایه، همواره از اقتصادی پایدار نیز بهرمنند باشد. وزیر الجایتو و ابوسعید، خواجه تاج الدین علیشاه گیلانی (۷۲۴-۷۱۱ ه. ق.) نیز به سال ۷۱۱ ه. ق. در تبریز، بیرون محله نارمیان (مهادمهین) مسجدجامع عظیمی به همراه مدرسه و زاویه احداث نمود، (حمدالله مستوفی، ۱۳۸۱: ۱۲۳؛ ابن بطوطه، ۱۳۷۶: ۲۸۳/۱).

در دوره زمامداری ابوسعید (حک: ۷۳۶-۷۱۶ ه. ق.) عمده فعالیت های عمرانی در جهت تکمیل ابنیه شهر سلطانیه بود. وی قصر و مجموعه آرامگاهی مجلی در شرو باز در نزدیکی سلطانیه بنا نمود (Blair, 1986: 142). در این دوره اشراف حکومتی و دیوانیان سهم بسزائی در احداث ابنیه موقوفه داشتند. وزیر غیاث الدین محمد (۷۳۶-۷۱۷ ه. ق.) پسر رشیدالدین در محله خیابان تبریز مجموعه موقوفه غیاثیه را بنا کرد (کربلائی، ۱۳۸۳: ۳۵۷/۱)، بغداد خاتون دختر شیخ حسن امیر چوپان و همسر شیخ حسن جلایر (حک: ۷۵۷-۷۴۰ ه. ق.) به اهتمام

کردن محدوده بارو و محل دروازه های آن مهم می باشد.

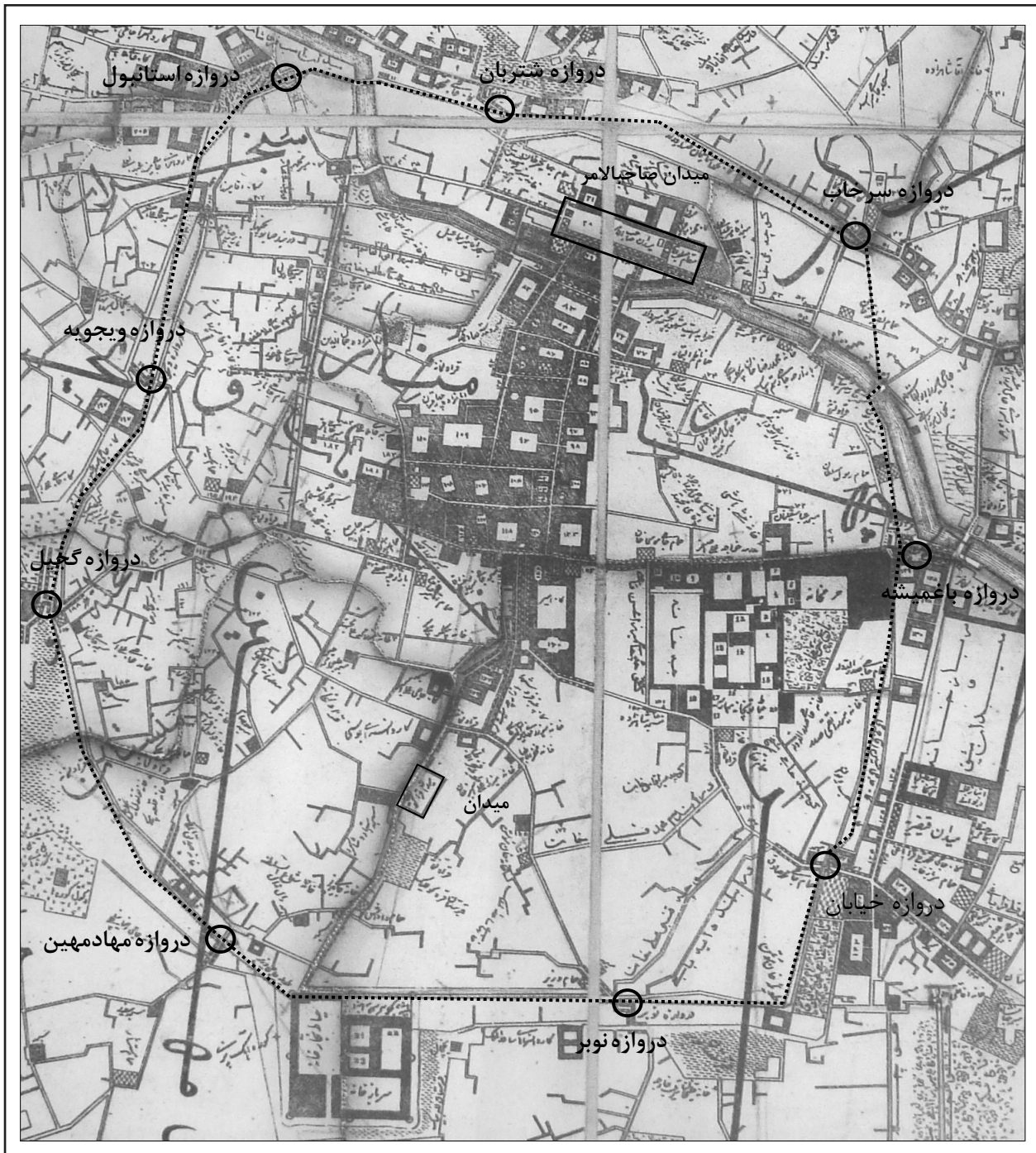
۴-۱. محدوده باروی کهن شهر تبریز

ناصرخسرو با حضور در سال ۴۳۸ ه.ق. در تبریز طول و عرض باروی شهر را هر یک هزار و چهارصد گام، نوشته است، (قبادیانی، ۱۳۶۳: ۸)، که در صورت مربع بودن بارو، محیط آن در حدود ۵۶۰۰ گام بوده است. حمدالله مستوفی نیز در سال ۷۴۰ ه.ق. طول باروی قدیم شهر را ۶۰۰۰ هزار گام آورده است، (۱۳۸۱: ۱۲۲). با توجه به آنکه پس از بازسازی و احداث بارو در دوره روادیان، سخنی مبنی بر تجدید آن تا دوره ایلخانان ذکر نگشته می توان باروی روادی را همان باروی قدیم شهر در دوره ایلخانان دانست. در بسیاری از اسناد و منابع تاریخی می توان اشاراتی در باب دروازه های تاریخی تبریز بدست آورد. از آن جمله در نزهة القلوب حمدالله مستوفی کامل تر از سایر منابع، به باروی قدیمی شهر و تعداد دروازه های آن اشاره داشته و می نویسد: «دور باروی تبریز شش هزار گام بوده است و ده دروازه دارد: ری و قلعه و سنجاران و طاق و درجو: [ورجو] و سرد و در دستی شاه: [سی شاه] و نارمیان و نویر و موکله»، (همان: ۱۲۲). از آنجاکه در نقشه دارالسلطنه قراجه داغی، ترسیم شده به سال ۱۲۹۷ ه.ق.، تعداد نه دروازه بر محدوده باروی نجفقلی خانی - احداث شده در سال ۱۱۹۴ ه.ق. پس از زلزله مهیب ۱۱۹۳ ه.ق. - نشان داده شده، و طول محیط آن در حدود ۵۰۰۰ متر نیز با داده های تاریخی همخوانی دارد، این احتمال که محل دروازه های باروی نجفقلی خانی نیز با محل دروازه های باروی قدیم شهر مطابقت نماید، وجود دارد. با انطباق اطلاعات آمده در وقفنامه ربع رشیدی (۷۰۹ ه.ق.)، وقفنامه شیخیه کججیه (۷۸۲ ه.ق.)، وقفنامه مظفریه (۸۶۹ ه.ق.)، روضات الجنان و جنات الجنان (۹۷۵ ه.ق.)، و روضه اطهار (۱۰۱۱ ه.ق.)، به ترتیب دروازه ری/ جدید (دروازه باغمیشه)، دروازه قلعه/ آهنین در (دروازه سرخاب)، دروازه سنجاران (دروازه استانبول)، دروازه طاق (دروازه شتربان)، دروازه ورجو (دروازه ویجویه)، دروازه سرد (دروازه گجیل)، دروازه نارمیان (دروازه مهادمهین)، دروازه نویر (دروازه نویر)، دروازه موکله/ ماهانقلق (دروازه خیابان) می باشد. در این میان دروازه باب اعلی که در سمت مقابل دروازه باغمیشه بر سر گذر شش گیلان واقع بوده، به علت نزدیکی به دو دروازه دیگر هنگام بازسازی بارو در سال ۱۱۹۴ ه.ق. حذف شده است (جعفرپور، ۱۳۸۹: ۱۰-۹)، (تصویر ۱).

بجای ارگ در کالبد ساختاری شهر، ساخت شهرک پیرامون شهر قدیم، گسترش محلات جدید بسوی باغات و اراضی خارج باروی شهر (جوار دروازه ها)، نقش مجموعه های عام المنفعه به عنوان مراکز رفاهی - آموزشی محلات و توسعه فضاهای باز شهری در اطراف آنها، ایجاد تسهیلات شهری جهت رفاه ساکنین، توجه به رعایت بهداشت عمومی؛ بطور مثال ساخت حمام در دروازه های اصلی بارو.

۴. ساختار شهر تبریز تا پیش از دوره ایلخانان

با توجه به آنکه بسیاری از مورخین عصر ایلخانی، عمارت شهر تبریز را در سال ۱۷۵ ه.ق. و به زبیده خاتون همسر هارون الرشید (خلافت: ۱۹۳-۱۷۰ ه.ق) نسبت داده اند، بلاذری جغرافیدان سده سوم هجری درباره تبریز چنین آورده: «اما تبریز، رواد ازدی^۱ [در سال ۱۴۱ ه.ق.] و سپس وجناء بن رواد به این شهر وارد شدند. وجناء و برادرانش در آنجا عماراتی ساختند، وی بر شهر حصار کشید و همراهانش در آن بلد منزل گزیدند»، (۱۳۳۷: ۴۶۵). بدین ترتیب استقرار ملازمان خلیفه در تبریز پیش از حضور زبیده خاتون صورت گرفته است. در سال ۲۴۴ ه.ق در زمان خلافت متوکل عباسی (۲۴۷-۲۳۲ ه.ق) شهر بر اثر زلزله ای مهیب ویران می گردد، اما متوکل امر به آبادانی مجدد آن می کند (کربلائی، ۱۳۸۳: ۱۶/۱). چنانچه ابن مسکویه طی حوادث سال ۳۳۰ ه.ق. و نبردهای مرزبان سالاری با دیسم، به نقش پر رنگ تبریز در منطقه و استحکام یافتن آن به برج و بارو اشاره دارد، (۱۳۶۹: ۶۲/۶). با به قدرت رسیدن روادیان (۴۶۵-۳۵۰ ه.ق.) در آذربایجان و ازان و انتخاب تبریز به عنوان مقر فرماندهی، به سبب امنیت، شهر رونق یافته و پرجمعیت می گردد. اما بار دیگر در زمان خلافت القائم بامرالله (۴۶۷-۴۲۲ ه.ق) در سال ۴۳۴ ه.ق زلزله ای سخت روی داده، نیمی از شهر خراب گشته و نزدیک به چهل هزار تن هلاک می شوند، (قبادیانی، ۱۳۶۳: ۹). پس از وقوع زلزله، خلیفه به ملازم خود ابومنصور وهسودان روادی (حک: ۴۵۰-۴۱۰ ه.ق)، امر به آبادی شهر کرده، وی نیز در همان سال از موضع مسجد جامع شروع به عمارت شهر می کند، (کربلائی، ۱۳۸۳: ۱۷/۱-۱۶). در دوره سلاجقه بزرگ (حک: ۵۴۱-۴۶۲ ه.ق) و سپس روی کار آمدن اتابکان آذربایجان (حک: ۶۲۲-۵۴۱ ه.ق)، با مرکزیت یافتن تبریز در منطقه، روند رشد و توسعه شهر به سمت احداث محلاتی جدید در بیرون بارو بوده است. آنچه مورخان در این دوره در باب شهر تبریز بطور مکرر اشاره نموده اند شامل رونق تجاری شهر و تعدد بازارهای آن، باروئی محکم به گرد شهر، جوی هائی روان در داخل شهر، و باغاتی بر پیرامون آن می باشد، (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۸۴؛ مشکور، ۱۳۵۲، ۴۲۳). جهت پی بردن به ساختار شهر تبریز قبل از دوره ایلخانان، مشخص



تصویر ۱. بخشی از نقشه دارالسلطنه تبریز، ترسیم توسط سرهنگ قراجه داغی، به سال ۱۲۹۷ ه.ق.، در این تصویر محدوده مربوط به باروی نجفقلی خانی و محل دروازه های نه گانه آن توسط نقطه چین مشخص شده، همچنین محدوده میدان کهن و صاحب الامر نیز تعیین شده اند.

مأخذ: تهرانی و دیگران، ۱۳۸۵: ۴۵.

۴-۲. فضاهای شهری بخش کهن شهر تبریز

از منابع تاریخی به میدان کهن یا عتیق تبریز اشاره شده است. از آن جمله حافظ ابرو در وصف ابواب البرّ علائیه (استاد و شاگرد) می

اطلاعاتی که بتوان توسط آن ها به خصوصیات فضاهای شهری بخش کهن شهر پی برد بسیار اندک می باشد. با این حال در برخی